

در چند و چون نکو (بزرگ) داشت‌های ایرانی

غلامرضا خاکی

مقدمه

ممکن است برای شما هم رخ داده باشد که در یک روز گرم تابستانی برافروخته و عرقریزان به نزد دوستی رفته باشید و او از فرط عشق و علاقه ای که به شما دارد فوری با یک لیوان شربت غلیظ آلبالو از شما پذیرایی کند و عطش شما موجب شود تا بی مکث لیوان شربت غلیظ را سر بکشید و چند ثانیه بعد شربت در گلو گیر کرده و مرگ را پیش چشمانتان آورد راست این است که بسیاری از نکوداشتها که در ولایت ما بر پا می‌شوند، حکایت همین «لطف غلیظ» لیوان شربت است.

نکوداشت عالی؟

آنچه در بسیاری از نکوداشتها می‌گذرد ما را با این پرسش روبه‌رو می‌سازد که چند و چون یک جلسه بزرگداشت باید چگونه باشد که به ضرر تکاملی فرد مورد تقدیر نیانجامد و ابعاد عقلانی فرهنگ ما را ضعیف‌ن‌سازد؟ یعنی غرور غفلت و خود شیفتگی افراد را تشدید و تقویت نکند. تمجیدهایی که در نکوداشتها انجام می‌گیرد یا صادقانه، ناآگاهانه یا چاپلوسانه یا ترکیبی از آنهاست.^۱

با توجه به آنچه گذشت این پرسش پیش می‌آید: آیا باید در جلسه بزرگداشت بر تمامی نقصها و ایرادهای فرد مورد نظر چشم پوشید و با او چونان کسی برخورد کرد که چون مرده است دیگر نباید از او بد گفت؟^۲ یا در مثالی دیگر با او چونان کودکی برخورد کنیم که برای تشویقش از

۱ در این معنا مولانا هشدار می‌دهد:

مشرق و مغرب که نبود بر قرار	چون کنند آخر کسی را پایدار
نو بدان فخر آوری کز ترس و بند	چاپلوست گشت مردم روز چند
هر کرا مردم سجودی می‌کنند	زهر اندر جان او می‌آکنند
چونک بر گردد ازو آن ساجدش	داند او کان زهر بود و موبدش

۲ پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه (احادیث پیامبر) ص ۲۰۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱۱، ۱۳۸۲ ش

نقصها و عیب های کار او سخنی به میان نیاوریم تا دچار بی انگیزگی نشود؟ برآستی برخورد درست با او چیست؟ زیرا واقعیت این است فراتر از انگیزه های گوناگون برگزارکنندگان نکوداشتها، این نشست ها برگزار می گردند تا حداقل در صورت ظاهر به کسی القا شود که: ای فلان کس، ما به زحماتتان متوجه و قدردان شمائیم، در واقع او را تشویق می کنیم تا دچار ملال و خستگی و دلگیری نشود، به او روحیه می دهیم تا بتواند به راهش ادامه دهد....

انواع جلسات بزرگداشت

بر مبنای سخنانی که گذشت می توان جلسات نکوداشت را به سه دسته کلی زیر تقسیم کرد:

۱- نکوداشت اسطوره گرایانه

۲- بزرگداشت واقع گرایانه

۳- گرامیداشت نقدگرایانه

در نکوداشت از نوع اول که معمول است، جلوه های ناصادقانه اغراق خیلی پررنگ است و نکوداران و بزرگداران چندان دغدغه دقیق، مطابق واقع و اخلاقی سخن گفتن ندارند. دو رویانی نیز همیشه هستند که چون می خواهند نامشان در همه جا باشد در این جلسات حضور می یابند اما آنچه را که در دل دارند بر زبان نمی آورند و بر آتش اغراق، هیزم وصف می گذارند و در نتیجه محتوا و لحن کلامشان چابلوسانه و جاهلانه و عاشقانه می شود تا منصفانه و عاقلانه. به سخن دیگر معمولا در جلسات نکوداشت پدیده ای به نام تفریط رخ نمی دهد، هر چه هست افراط و زیاده روی و بزرگنمایی اغراقی است. افراد موردنظر در این جلسات به شکل اسطوره های مطلق و بی عیب و نقصی ظهور می کنند که باید در برابر آنها تعظیم و سجده کرد. بیشتر افراد در این جلسات از حلقه ارادتمندان و شاگردان هستند و از سر باورهای عاشقانه خود سخن می گویند و کار هر عاشق هم جز خوبی دیدن نیست، عده ای هم در این مجلس ها، از سر نفاق یا کم اطلاعی یا ویژگی هیجانی شخصیتی که دارند در وصف خود اغراق می کنند. اما

در بزرگداشت واقع گرایانه، فردی که در بزرگداشت سخن می گوید، می کوشد تا از واقعیت های که در وجود فرد تجربه و فهم کرده سخن بگوید. سخن چنین کسی به سوی منطقی بودن و

عاری از مطلق سازی تمایل دارد. او هشیار است تا از کلمات مطلق استفاده نکند و معتدلتر و محتملتر و نسبتتر احساسات و تحلیل خود را مطرح کند. برای نمونه به جای کلمه همیشه از کلمات اغلب، بیشتر اوقات استفاده می کنند وقتی از چنین اصطلاحاتی استفاده می شود به طور ضمنی گفته می شود در مواردی فرد مورد نکوداشت از سوی گوینده سخن، ارزشی را یا معیاری رعایت نکرده است. برای مثال وقتی در وصف استادی گفته می شود او همیشه با گشاده رویی با دانشجویان برخورد می کند، بندرت می توان این سخن را پذیرفت زیرا حتما موردی پیش آمده است که استاد از بی حوصلگی، مشکلات شخصی یا رفتار ناپسند دانشجویی، ابروهان خود درهم کشیده، عتاب کرده یا تند شده باشد، پس باید همیشه بر مبنای احتمالات سخن گفت، هر چند گوینده سخن چنین رفتارهایی از استاد ندیده باشد. اگر این رعایت نشود نکوداشت ها، شبیه سخنان مدیران صوفیان پر وصف پیران خود می شود و ارزش و اعتبار آن کاسته می شود.

چه باید کرد؟

اگر هر جلسه نکوداشت را فرصتی بدانیم که فرد مورد گرامی داشت همچنان فرصت زندگانی دارد و قرار است خطاها و لغزش های خود را جبران کند و کارهای ناقص خود را تکمیل کند پس بهتر است به بازنگری جلسات نکوداشت در جهت موثر سازی آن توجه کنیم. برای هر چه ارزشمندتر کردن جلسات نکوداشت چند پیشنهاد مطرح می شود:

۱) افرادی که در جلسه نکوداشت قرار است درباره کسی صحبت کنند قبل از برنامه دیدار و گفتگویی باهم داشته باشند تا ضریب جامعیت و عدم تکرار در سخنان آنها کاهش یابد.

۲) جلسه بزرگداشت جلسه نقد شخصیت و آثار نیست اما افرادی که از جایگاهی مانند استادی و پیشکسوتی برخوردارند در این جلسات می توانند با زیباترین زبان و لحن و حتی بکارگیری طنز نکات مهمی را که به گونه ای اکثریت بر آن آگاهی دارند به فرد مورد نکوداشت یادآور شوند تا او بر بهبود و تکمیل و اصلاح آن توجه کند و همت ورزد.

۳) مجری برنامه انتخاب شود که با سخنانش مسابقه اغراق گویی را فروزان تر نکند.

۴) سخنرانان از کلمات مطلق و اغراقی تا حد امکان پرهیز کنند.

۵) در لابلای کلام افراد آثار و نکته هایی از مطالب مربوط به فرد نمایش داده شود تا جلسه بعد آموزشی هم پیدا کند.

- (۶) برگزارکنندگان نکوداشت هیچکس را در تنگنای اخلاقی برای سخنران قرار ندهند.
- (۷) سخنرانان در گفتار خود به اصل صداقت اخلاقی پایبند باشند و در مواردی که باور ندارند سکوت کنند.
- (۸) مطالبی که بیان می شود از ابعاد گوناگونی برخوردار باشد تا جامعیت نسبی در ایجاد تصویر از فرد مورد نکوداشته حاصل شود.